

نظریه پردازی به تنهایی کافی نیست!!

عوامل متعددی در سطح دانشگاه‌های ما باعث شده‌اند که در این بخش جای تربیت اقتصادی خالی با شد. مثلاً در حوزه اقتصاد اسلامی این مساله وجود دارد که چرا ما تنها دنبال جنبش نرم افزاری و تئوری پردازی هستیم و فرضا خمس و انواع مدل‌های آن را هم ساختیم اما چه کنیم که طرف این گونه رفتار کند و چرا اصلاً چنین چیزی در بسته اقتصاد اسلامی وجود ندارد.

چرا وقتی مجلات اقتصاد اسلامی را مرور می‌کنیم حتی یک مجله برای این کار یافت نمی‌شود و همیشه به دنبال جنبش نرم افزاری هستیم و جایی برای تربیت خمس در حوزه ما در دانشگاه‌های اسلامی وجود ندارد.

از سوی دیگر کتاب‌های غربی کاملاً برعکس هستند و از سال ۱۷۸۰ یک خانواده صاحب مقام و جایگاه اجتماعی در یکی از کشورهای غربی نامه‌ای نوشته است و گفته است عجب دورانی شده است. خانواده‌های متخصص وقتی پرستار برای بچه‌های خودشان می‌گیرند این سوال را مطرح می‌کنند که آیا می‌توانی اقتصاد به کودک ما آموزش بدهی یا خیر؟

این نشان می‌دهد که آن کشورها در دل انقلاب صنعتی برای مدرنیته جهادگر اقتصادی تربیت می‌کردند اما ما چطور.

هر میزان که از ۱۷۸۰ جلوتر آمدیم دیدم دائماً بحث شده و کار شده و محصولات فرهنگی تولید شده و دو شیزه مارتینو در سال ۱۸۳۲ می‌آید و ۳۲ داستان کودکانه می‌نویسد و تفکر اقتصادی را دنبال می‌کند.

این روند ادامه دارد تا زمانی که در قرن بیستم این محصولات تبدیل به سند می‌شود و یک سند ملی کلان برای تعلیم و تربیت اقتصادی تدوین می‌کنند. حداقل در آمریکا یک شورای فدرال به اسم شورای تعلیم و تربیت اقتصادی با قریب به ۴۷ شورای ایالتی، تعلیم و تربیت اقتصادی در کل آمریکا را راهبری می‌کنند. این یعنی نظام سازی و نهاد سازی. کاری که ما بایستی انجام دهیم اما متأسفانه هنوز خبری از آن نیست.